

دستور دکتر فرامرز بد (۱)

بررسی اجمالی فرهنگ ایران باستان

« ترجمه خلاصه‌ای از سخنرانی آقای دستور دکتر فرامرز بد در

« ضیافت انجمن فرهنگ ایران باستان بافتخار و رودایشان. »

آرزوی قلبی و دیرینه من برای مس این خاک پاک و سجده بردن بسرزمین پر-
افتخار « ایران ویج » عاقبت برآورده شد. زیارت سرزمین نیاکان وزادگاه پیغمبرم مرا
غرق شادی و هیجان ساخته است. اکنون در اعماق روح و بیچشم دلم صحنه‌های پرافتخار
تاریخ ایران را از روزگاران بس کهن تا با امروز روشن می‌بینم و از خداوند می‌خواهم که
فرکیانی (کویم خورنه) فر آریانی، (آیریانم خورنه) همچنان تابان بماناد و فروشیان
مقدس همواره این سرزمین را برکت دهند. هزاران سال است که زرتشتیان برای امتیث
و پیشرفت میهنمان ایران دعا کرده و می‌کنند و ما موبدان زرتشتی هر روز این دعا را
تکرار مینمائیم « تراشو فرزند زایساد که ایران داراد نام براد » یعنی باشد که نسل
ایرانیان بماند و ایران را نگاهدارند و نام آنرا درجهان بلند دارند.

دوستان، من از انجمن فرهنگ ایران باستان بسیار سپاسگزارم که از من دعوت
کرده‌اند و بمن فرصت داده‌اند که باشما برادران و خواهران خود ملاقات کنم و باشما
سخن گویم چون قرار شده در اولین سخنرانی خود شرح مختصری در باره « فرهنگ
ایران باستان » بدهم اینک کلیاتی راجع باین موضوع بعرض شما میرسانم.

ایران باستان فصول مشعشعی در تاریخ شرق دارد و نام و شهرت فرهنگ آن تا ابد
باقی خواهد ماند. شاهنشاهی ایران حاوی سرزمینهای وسیع و تقریباً شامل همه ملل
متمدن آنروز میشد. هزاران سال پیش زردشت پیغمبر ایران باستان دین توحیدی و
عقلانی عالی خود را آورد که تأثیر شگرفی در افکار دینی مردم جهان داشته است. در
ایران باستان در زمان شاهنشاهی هخامنشی بود که خاور و یاختر نخستین بار در تاریخ

(۱) آقای دستور دکتر بد دارای درجه B.A. از دانشگاه بمبئی، درجه M.A.

در السنه شرق و دکتر در فلسفه از دانشگاه لوس آنجلس و عضو مؤسسه تحقیقات دانشگاه
مزبور میباشند.

بایکدیگر تلاقی کردند ایران باستان در طول چندین قرن نقش مهمی ایفا کرد و مردمان آن مقام مهمی را که در تاریخ بیسابقه بود احراز نمودند.

ایران باستان حلقه‌مرتب میان مردم خاور دور و باختر بود و سرزمین ایران بمنزله شاهراه و چهارراهی بود که مدنیت‌های مختلف در آن بایکدیگر رو برو میشدند حکمتان - اکباتان یا همدان یعنی پایتخت و جائی که راههای بازرگانی و فرهنگی بهم میرسند - تاریخ ایران از حیث درازی زمان و وسعت قلمرو و همچنین از لحاظ سهمی که در اختلاط اقوام و ملل و تأثیر در کشورهای متعدد و مردمان متنوع در زمانهای مختلف داشته اهمیت دارد. مردمانیکه فرهنگ و مدنیت ایران باستان را بوجود آوردند آریانها بودند. سرزمین محبوب آریانها که در اوستا ذکر شده ایریانا و اویجه (ایران و یج) مهد و منشأ فرهنگ و مدنیت آریائی است. سرزمین اصلی آریائیها هر کجا بوده، امر یقین این است که ایرانیان و هندیان مدت مدیدی بایکدیگر میزیسته‌اند و دارای یک زبان و یک دین و آداب و اساطیر و سنن مشترک بوده‌اند. دوره‌های مدنیت و فرهنگ آن زمانها در شخصیت افراد معینی خلاصه گردیده است. این نژاد آریائی مردانه، سپید چهره با فرهنگ اصل و ریشه انوام هند و اروپائی تاریخ بشمار میروند.

در طول قرنهای متوالی و در طی جریان تاریخ ایرانها در خود مختصات و فضائل آریائی و سامی را جمع کرده‌اند و از اینرو واجد صفات برجسته‌ی نوع دوستی، نشاط و عقل عملی هستند و این صفات دنیوی و این جهانی را بایک روح فلسفی دقیق که توانائی اندیشه در باره مسائل عمیق زندگی را داراست توأم ساخته‌اند.

پیمایش زردشت و دعوت دین توحیدی و عقلی و اخلاقی و عملی او و پذیرش پیام او در ایران و دیگر کشورها در تاریخ جهان واقعه بزرگی است که جهت و مسیر تاریخ و فرهنگ و مدنیت ایران را تغییر داد و بایرانیان یک روحیه و شخصیت انفرادی ممتازی بخشید و یکباره خصلت و نبوغ آریائی نژاد ایران را معین ساخت.

ایران امپراطوری بزرگی بوجود آورد که پهنایش بر همه امپراطوریهای پیش از آن فزونی داشته و «از حیث عظمت و وسعت بیسابقه بوده» و تسلط ایرانیان در ادوار مختلف از کناره‌های دریای سفید تا آسیای میانه امتداد داشته است ایران زیر سلسله‌های متوالی خود عناصر فرهنگی مختلف را در یک فرهنگ جامع ترکیب کرد اما ایرانیان مقلد صرف نبودند آنچه را از دیگران می‌گرفتند جذب می‌کردند و مهر نبوغ خود را بر آن میزدند. عمیقترین فلسفه روحی و عرفانی عالم اسلام همان حکمت اشراق کهن ایران بود که بزبانی که قرآن کریم آورده بود تجدید حیات کرد و در اینجا باز جریان مداوم

ادبیان و حکمت و فرهنگ ایران در دوره اسلامی نیز نفوذ کرده و سیر خود را ادامه

میدهد.

ایران در تاریخ مدنیت و فرهنگ جهان تأثیر عمیقی داشته و قرن‌ها در میان ملل جهان نیروی جان بخش و بارآوری بوده است و از فرمانروایان و جنگاوران مقتدری که بوجود آورده مهمتر همانا سهمی است که در ایجاد و پیشرفت زندگی فرهنگی روحی و اخلاقی جهان داشته است هنوز نغمه‌های شاعران شیرین سخن آن همه جا دلها را بهیجان می‌آورد و رهبران دینی آن سیر فرهنگی بشر را هدایت کرده و اندیشه‌های انسان را با الهامی مراتب رسانده و او را با انجام اعمال شریف ملهم شده‌اند. کمتر مدنیتی است که بتواند بداشتن پیامبران اولوالعزمی نظیر زردشت و محمد افتخار کند بواسطه همت و قدرت فکری حکما و علمای ایران بود که میراث گرانبهای مدنیت یونان باسیانیا و سپس یاروپا منتقل گردید و آنچه را امروز به مدنیت غربی موسوم است بوجود آورد. ایران بداشتن صنایع هنری درخشان معروف است. هزاران سال است که جهان متمدن چه در عهد قدیم و چه در زمان جدید نبوغ ایرانی را برای درک زیبایی ستوده در سال ۱۹۲۵ هر تسقلد سنک نبشته جالبی را که دارای ارزش هنری بسیار بود کشف و تاریخ آنرا ۲۸۵۰ سال قبل از میلاد تعیین کرد یونان و روم و هند و چین و ژاپون و اروپا همه از ایران بنحوی از انحاء در هنر الهام گرفته‌اند و نکته آموخته‌اند و این امر برای ملت ایران مایه سر بلندی و جلب دوستی دیگر کشورها بوده است. در صنایع هنری ایران حساسیت و خلاقیت هر دو دیده میشود. دل و عقل هر دو بندهای هنر مند پاسخ میگویند. در هنر ایرانی از میان انواع بیشمار ممکنه فقط آنچه که اصلی و مهم است انتخاب و تا با آخرین درجه که میسر بوده ساده شده بنحوی که روح و باطن آن مکشوف و بمالم هنر عرضه گردیده است.

ایران باستان در قلب آسیا واقع شده بود در مشرق آن چین در جنوب هندوستان و در مغرب کلمده و بابل و آشور و مصر بودند یونان در شمال غربی آن واقع بود مهمترین عاملی که بمعظمت هنر ایران کمک کرد تنوع و اختلاف بارز فرهنگهای بود که ایران با آنها تماس نزدیک یافت از هر يك از این منابع ایران عناصر مهمش را جذب کرد و در عین حال وحدت و فردیت خویش را حفظ نمود يك منبع مهم الهام هنری و زیبایی دین بود در ابتدا دین زردشتی و سپس اسلام و تصوف اسلامی شامل جنبه‌هایی بودند که با شعر و هنر ملائمت بسیار داشت و هنرمندان در تمام آثار طبیعت محبت و کمال الهی را می‌دیدند و با ادراك عمیق خویش و آفرینش زیبایی با خداوند در تکمیل جهان خلقت همکاری میکردند.

ایرانیان باستان از حیث دریافت روح حقیقی دین و نظم عالی اخلاقی بر بسیاری از همسایه‌های آسیائی خود برتری داشتند و در طی جریان تکاملی مدنیت يك جامعه بس توانائی در ایران بوجود آمد. برای ذلك حکمت سیاسی و آرمانهای اخلاقی و جنبه‌های عالی فرهنگی ایرانیان باستان باید مبانی اصلی عقائد دینی آنها را درست بررسی و سنجش کرد زیرا بیشتر در قلمرو عقائد عالی و فرهنگ ممتاز است که ایرانیان باستان نقش و اثرناستردنی خود را بر تاریخ جهان حک کرده‌اند. مغوبتان مغوبت (موبدان موبد) های زردشتی ایرانی در تکامل فرهنگی ایران و همه جهان سهم مؤثری داشته‌اند و ایرانیان باستان دعای يك انقلاب دینی بودند و فرهنگ و دینی بسیار عالی بجهانیان داده‌اند در نظر بزرگان یونانی مانند اسخیلوس و خنوفون و افلاطون ایرانیان مشحون از حکمت و منصف بهمة فضائل اخلاقی مینمودند. کوروش بزرگ در نظر یهودیان مثل اعلی شخصیت و فرستاده یهوه و مسیح خدا بود چنانکه در نظر بابلیان فرزند مردوخ و در مصر فرزند نعت و در میهن خویش بر گزیده هر مزد بود.

دوستان، خوبست اندکی در باره معنی و مفهوم فرهنگ بیان میشیم فرهنگ اساساً بمعنی پرورش و پالایش و بهبود و پیشرفت ذهن و عواطف و آداب و ذوق و خصائل يك ملتی است فرهنگ هر قومی ظرافت فکر و احساسات و فضائل آن قوم و همچنین درجه تعقل و مهارت آنها را در صنایع و ادبیات و تأسیسات اجتماعی آنها متمثل میسازد فرهنگ یعنی فعلیت بخشیدن با استعدادات بالقوه يك نژاد معین و بمنزله تجدید خلقت نفس بشری است تا عالیترین صفات انسانی که در روح مکنون است بعرضه ظهور آید مدنیت صورت مادی و خارجی پیشرفت انسان است در حالیکه فرهنگ تحقق باطنی و درونی ارزش حقیقی اشیاء و درك حقیقت است فرهنگ بررسی کمال است و منشأ آن عشق بزیبائی و راستی و نیکوئی است و اشتیاق عمیقی بملاحظت و روشنائی دارد گفته‌اند که در ایام ابتلاء و بحران هنگامیکه هر چه داریم از دست داده‌ایم و آنچه آموخته‌ایم فراموش شده آنچه در لحظات عسرت و احتیاج ما را نکه میدارد همانا فرهنگ است شعار فرهنگ حقیقی باید این باشد که «عقل و اراده حق بر جهان مسلط گردد» و قانون بزرگی آن اینست که «هر کسی بآن مرحله که خلقت و طبیعت او استعداد نیل بس آنرا دارد برسد» و میتوان گفت فرهنگ جریان تبدیل نفس بشری است بوسیله جذب و تحلیل خواص عالی طبیعت و موجودات انسانی.

بنا بتعریف حقیقی فرهنگ و آنچه مختصراً در باره فرهنگ ایران باستان گفتیم

اکنون بی میبایم که هنر و ادبیات و فرهنگ برای پیشرفت و سلامت ملت و افراد ضرورت

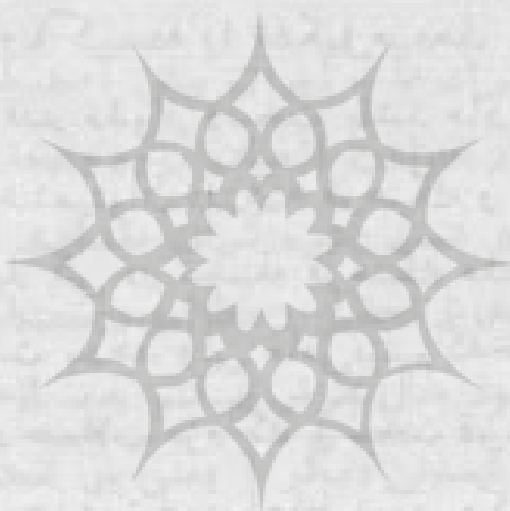
حیاتی دارد و آنجا که فرهنگ و بینش هنری نیست خطر انحطاط در پیش است بدون
بینش زیبایی و الوهیت و حقیقت شادی و سعادت در زندگی غیر ممکن خواهد بود.

ایران که در گذشته چندین بار از زیر خاکسترهای بدبختی و خرابی بیرون آمده
اکنون بار دیگر جنبشهای يك زندگانی تازه‌ای را احساس میکنند تا دوباره جلال و
عظمت فرهنگ بزرگ و مشعشع دیرین خود را بازیابد و معجزه خلاقیت و استقامت خویش
را ثابت دارد باشد که احیاء و تجدید فرهنگ ایران باستان طیلة دوره فوینی گردد
دوره که در آن آثار هنری بزرگ بوجود آید ایران یکبار دیگر بشریت را محظوظ و
خود را قرین افتخار سازد.

ایران در جهان کهن ملکه آسیا بود امروز هم علی‌رغم تحولات و انقلابات و موانع
بسیار هنوز در آسیا مقام متحصر بفردی دارد و یکبار دیگر بر اثر ارشاد و رهبری توانای
اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر از قید عقب ماندگی رهائی یافته و در تحت لوای سلطانی
چنان عادل و روشن بین بیدار و آماده کار شده و فرهنگ باستانی ایران از نو تجدید و
احیاء گردیده و رسوم و سنن بد و زیان آور از میان رفته امروز همه صکنه اقلیم آسیا
بیدار شده اند و در هوای آزاد نیرو و نشاط تازه یافته اند در اینجا هم از برکت توجهات
مدبرانه و سیاست روشن بین اعلیحضرت همایون شاهنشاهی محمدرضا شاه پهلوی ایران
نو در تمام جنبه‌های زندگانی ملی گامهای بلندی برداشته و علائم تجدید فرهنگ باستانی
ایران بخوبی نمودار شده است و فرزندان این آب و خاک از مرد وزن در عروق خویش
احساس حیات تازه میکنند و ملت ایران اشتیاق شدیدی نشان میدهد که مجدداً مقام
شایسته خویش را در میان ملت‌های بزرگ جهان بازیابد و عظمت و جلال فرهنگ کهن
خویش را بدست آورد ایران امروز تشنه تجدید و تعبیر تازه فرهنگ و حکمت و اخلاق
باستانی خویش است و بر اثر ترقی و پیشرفتی که در دوره حاضر حاصل شده ارزش پیام
عمیق پر معنی فرهنگ کهن خود را که فرزندان نامی و برومند آن عرضه داشته اند
بخوبی دریافته است.

دوستان من بایران آمده‌ام تا از شما علوم و معارف قدیم و جدید ایران را
مستقیماً بیاموزم و با چشم خویش آثار و بقایای جلال و عظمت گذشته ایران را ببینم در
زمینه بررسی تاریخ و مدنیت و فرهنگ جهان، ایران يك حوزه متروک و فراموش شده ایست
اینك با كمك شما فضلا و دانشمندان باید صفحات مفقوده تاریخ دوباره پیدا شود و ایران
مقام مشروع و شایسته خویش را بعنوان بانی يك فرهنگ عمیق و عامل ذی نفوذی در دینها
و حکمت‌ها و فرهنگهای جهان بازیابد.

برادران و خواهران جوانمرد و با محبت ما در ایران زردشتیان پارسی را حافظ و متولی فرهنگ و حکمت ایران قدیم میدانند من چون بنده‌ای فروتن بمیهن عزیزم آمده‌ام تا در برابر این سرزمین مقدس ایران ویج که هر روزه در نماز و دعای خویش از آن یاد میکنم سر تعظیم فرود آورم و از خدا بخواهم که جلال و فروغ و حکمت و فرهنگ ایران باستان به هر هفت کشور و اقلیم گسترش یابد و از اهورامزدا درخواست میکنم که مرا توانا سازد که آتش کهن فر ایران را در دل‌های برادران و خواهران ایرانی خود برافروزم تا برکات الهی بر این سرزمین فرود آید و آرایش و سرسبزی و خرمی و کامیابی در همه جا بهره همه ایرانیان گردد و از آنان بهمه جهانیان برسد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی